آن سوی آب

بحران غذا در چین

خوردن، آشامیدن و مریض‌شدن

ترجمه: امین دانشور

■ **لس‌آنجلس تایمز:** هیچ‌کدام از میهمانان، مراسم عروسی را از یاد نخواهند برد. همه مردم روستا به عروسی پسر پولدارترین فرد روستا دعوت شده بودند. پذیرایی به بهترین نحو ممکن انجام شده بود و آنقدر غذا زیاد بود که میهمانان نمی‌دانستند کدام یکی را امتحان کنند؛ اما این روی‌خوش داستان بود. هنوز یک ساعتی از صرف غذا نگذشته بود که همه میهمانان روبه‌موت شدند. یک زن حامله غش کرد. بچه‌ها هرچه خورده بودند بالا آوردند و پیرمردی هم نزدیک بود سکته قلبی کند. از ۵۰۰ نفر میهمان این مراسم- که در ووفنگ برگزار شده بود- ۲۸۶نفر راهی بیمارستان شدند و دکترها بعد از معاینه بیماران متوجه شدند در گوشت خوکی که سرو شده ویروسی بوده که باعث تهوع، تشنج و تپش قلب می‌شود. «دای» یکی از میهمانان عروسی که شوهرش پنج روز در بیمارستان بستری بود، می‌گوید: «به نظر می‌رسید که همه مسموم شده‌اند» این روزها خوردن و آشامیدن در چین آن‌هم بدون عوارض بعدی، تبدیل به رویایی دست‌نیافتنی شده و در دو عروسی دیگر هونان ۱۹۲نفر قربانی غذا شده‌اند. از سال ۲۰۰۸ به بعد که بچه‌های زیادی به خاطر آلودگی مواد غذایی جان‌شان را در چین ازدست دادند دولت این کشور با وسواس و سخت‌گیری بیشتری سلامت مواد غذایی را کنترل می‌کند اما به نظر می‌رسد برنامه آنها چندان نتیجه‌بخش نبوده و هرروز اخبار جدیدی درمورد مشکلات غذای چشم‌بادامی‌ها منتشر می‌شود. چند ماه قبل، یک زن شانگهایی نیمه‌شب از خواب بیدار شد و در آشپزخانه‌اش چیزی را دید که به درد فیلم‌های تخیلی می‌خورد. نوری آبی از وسط گوشت خوک- که روی میز آشپزخانه بود- بیرون زده بود. به گفته کارشناسان این پدیده به خاطر وجود باکتری درخشان در این گوشت بوده است. کشاورزان ایالت جیانگسوی شرقی دو هفته قبل سوژه جالبی به رسانه‌ها دادند. آنها به امید بزرگ شدن اندازه محصول‌شان- هندوانه- به آن هورمون رشد زده بودند، اما هندوانه‌ها به جای بزرگ شدن ترکیدند! موضوعاتی از این دست اصلا باب میل دولتمردان چین نیست. آنها به خوبی از این مساله آگاه هستند که مردم به دولتی، که نمی‌تواند به آنها ضمانتی در مورد مواد غذایی بدهد، اعتماد ندارند و نتیجه آن چیزی خواهد شد که کمونیست‌های چینی را به وحشت انداخته: آشوب عمومی! به نظر می‌رسد مقامات چینی به افزودنی‌هایی که در غذاها استفاده

می‌شود هیچ توجهی ندارند و تا زمانی که ماجرا لو نرود دنبال مقصر نمی‌گردند. نکته جالب اینکه در چنین شرایطی تورم و بلاهای طبیعی دست‌به‌دست هم داده تا قیمت مواد غذایی بالا رود. موضوعی که باعث شده مردم علیرغم حساسیت‌شان روی مواد غذایی، هنگام دیدن فروشگاهی که مواد غذایی را با قیمت پایین‌تری می‌فروشد دستپاچه شده و پشت مغازه صف ببندند. این وسط بازار تقلب در تولید مواد غذایی هم حسابی گرفته و کمپانی‌های مختلف با هزینه‌ای کمتر جنسی تقلبی را در پوشش کالای اصلی و باکیفیت تحویل ملت می‌دهند. داستان برنج‌های تقلبی هم که حسابی چینی‌ها را ناراحت کرد. برای چشم‌بادامی‌ها غذا اهمیت بسیار زیادی دارد و وقتی آنها متوجه شدند برنج مورد علاقه‌شان دستکاری شده و کیفیت درجه‌یک ندارد خون جلوی چشم‌شان را گرفت. در سال ۲۰۰۶ ژوکینگ کتابی در مورد صنعت غذا در چین نوشت که حسابی سروصدا کرد. او ادعا کرده بود که در تولید مواد غذایی از انواع و اقسام ماده‌های شیمیایی که برای سلامت انسان ضرر دارد، استفاده می‌شود. او در کتابش به این نکته هم اشاره کرد که پروش‌دهندگان ماهی گفته‌اند آنقدر به ماهی‌هایشان هورمون و دارو می‌دهند که خودشان جرات خوردن ماهی را ندارند. کتاب ژو در ۱۰ کشور منتشر شد و با اینکه در چین کسی نمی‌تواند نسخه‌ای از آن را پیدا کند اما تا امروز ۵۰ هزار نسخه از آن در ژاپن به فروش رفته است. چینی‌ها که نمی‌توانند چنین رسوایی را تحمل کنند به تازگی روزنامه‌نگاران را تهدید کرده‌اند که اگر گزارش اشتباهی در مورد سلامت مواد غذایی بنویسند آن‌وقت باید پای عواقبش هم بنشینند. سال قبل هه دونپینگ استاد تغذیه دانشگاه صنعتی ووهان بعد از افشای اطلاعاتی درباره اینکه تعدادی از رستوران‌ها از روغن سوخته- که سرطان‌زاست- دوباره برای طبخ غذا استفاده می‌کنند، توبیخ شد و کاری با او کردند که حاضر نیست با هیچ خبرنگاری صحبت کند. این ماجرا در مورد قربانیان مواد غذایی هم صدق می‌کند و آنها در صورت علنی کردن اعتراض‌شان زندانی خواهند شد. مردم آنقدر ترسیده‌اند که نمی‌خواهند در مورد مواد غذایی حرف بزنند. میهمانان آن عروسی ترجیح دادند هیچ اسمی از آنها در این گزارش نیاید و از آنجایی که دولت خرج درمان آنها را داده و خانواده داماد به حزب کمونیست نزدیک است بهتر دیدند که ماجرا را پیگیری نکنند.

گروه غیردولتی که خلأهای جامعه سیرالئون را پوشش می‌دهد

در جست‌وجوی کمک قانونی برای زندانیان زن

ترجمه: امیر صدری

عکس: Csmonitor

در سال ۲۰۰۵، زن جوانی به جرم قتلی که ارتکاب آن را نپذیرفته بود، به اعدام محکوم شد. این زن متهم بود که فرزند شش ماهه زن دوم همسرش را کشته است. اما واقعیت ماجرا چه بود؟ این زن که فقط با حروف «م.کا» خودش را معرفی می‌کند، می‌گوید: «همسرم روی آن بچه نشست و باعث مرگ او شد، اما من این قتل را گردن گرفتم، به افراد پلیس گفتم که من باعث مرگ آن بچه شده‌ام و آنها هم باور کردند، شوهرم به من گفت که قتل را گردن بگیرم، او می‌گفت اینجوری هیچ مشکلی پیش نمی‌آید.» شوهر این زن به پلیس گفت که «م.کا» بچه زن دومش را مسموم کرده و پلیس هم حرف او را با توجه به اظهارات زن پذیرفت. این زن را به زندان پادمبارود در فری‌تاون، پایتخت سیرالئون بردند و در بخش زنان متهم به قتل زندانی کردند. این زن روستایی که در طول عمرش هرگز به فری‌تاون نیامده بود، مدت شش سال را در زندانی کوچک که امکانات بسیار کمی داشت، سپری کرد. این زن بی‌سواد به دلیل کمبود اطلاعات حتی نتوانست برای خود وکیلی بگیرد و خانواده او هم که در روستایی بسیار دور از فری‌تاون زندگی می‌کردند او را فراموش کردند، اما یک اتفاق مسیر زندگی این زن را تغییر داد: آشنایی با سابرینا ماتانی، موسس گروه آدواسید، گروهی غیردولتی که به زنان زندانی در سیرالئون کمک می‌کند تا از حقوق خود دفاع کنند.

سابرینا ماتانی در انگلستان در رشته وکالت تحصیل کرده است، او می‌گوید: «از سال ۲۰۰۶، درگیر پرونده زنانی است که به خاطر فقر، بی‌سوادی یا اشتباهات شخصی، زندگی خود را تباه کرده‌اند.» موسسه‌ای که او پایه‌گذاری کرده، قرار است به زنان زندانی امکان برخورداری از وکلای قانونی را بدهد و برای آنها امکان ادامه تحصیل و حتی حمایت‌های عاطفی و مالی را فراهم کند. از سال ۲۰۰۹ تاکنون این موسسه برای بیش از ۴۰۰زن مجرم، وکیل گرفته است و در بسیاری از موارد توانسته زندگی این زنان را تغییر دهد و حتی شماری از افراد بی‌گناه را از زندان آزاد کند.

در مورد پرونده «م.کا» این موسسه اقدام‌های جالبی انجام داده بود. در زمان رسیدگی اولیه به پرونده آشکارا قاضی چندان به شکاف‌های موجود در روایت‌های افراد و مشکلات قانونی توجه نکرده بود. وکیل مدافع جدید این زن با توجه به آنچه در پرونده یافته بود و تناقض‌های میان حرف‌های زن و همسرش درخواست تشکیل دادگاه تجدیدنظر را به دادگاه ارایه داد. در نهایت برای این زن، دادگاهی مجدد تشکیل شد و حکم پیشین او که اعدام بود، شکسته شد. این زن پس از تحمل شش‌سال‌وهفت ماه زندان آزاد شد. ولی این زن به زادگاهش بازنگشت چرا که از همسرش می‌ترسید. برای همین گروه آدواسید برای او سرپناهی یافت و در نهایت هم او را سر کار فرستاد تا بتواند زندگی خودش را در شهر فری‌تاون اداره کند. ماتانی می‌گوید: «بهترین کار این است که از نقطه صفر تا یک نقطه مطمئن به یک انسان نیازمند کمک کنی، اما موسسات بسیار کمی هستند که این کار را انجام می‌دهند.»

نکته

موسسه‌ای که او پایه‌گذاری کرده، قرار است به زنان زندانی امکان برخورداری از وکلای قانونی را بدهد و برای آنها امکان ادامه تحصیل و حتی حمایت‌های عاطفی و مالی را فراهم کند

اگرچه کمک‌های قانونی و وکیل گرفتن برای زنان زندانی بسیار مهم است؛ اما کافی نیست. وضعیت زندان‌های سیرالئون بسیار اسفبار است و ماتانی و دوستانش در تلاش هستند تا شرایط را بهتر کنند. ناجانی سی‌باپاسه، یکی از اعضای این گروه می‌گوید: «زندان پادمبارود در سال ۱۹۱۴ ساخته شده است یعنی تقریبا یک قرن پیش، آن موقع این زندان برای اسکان ۳۰۰ زندانی در نظر گرفته شده بود اما حالا ۱۴۰۰ زندانی در این زندان در کنار هم جای گرفته‌اند.»

وضعیت وضع اقتصادی سیرالئون- یکی از فقیرترین کشورهای آفریقا- باعث شده که دولت حتی در صورت تمایل هم نتواند برای بهبود وضعیت زندان‌ها هزینه کند. اما آدواسید سعی کرده است تا حد امکان برای بهبود وضعیت تلاش کند. این گروه برای زنان زندانی لباس مناسب جمع‌آوری می‌کند. کلاس‌های سوادآموزی و آموزش مهارت‌های زندگی در زندان برگزار می‌کند و حتی یک کتابخانه در زندان احداث کرده است. ماتانی که متولد سیرالئون است اما در زامبیا بزرگ شده، می‌گوید: «علاقه من به مسایل زندان مربوط به دوران کودکی من است. وقتی کودک بودم، پدرم به زندان افتاد و من همیشه نگران او بودم. پدرم یک زندانی سیاسی بود و دوران سختی را در زندان گذراند. این باعث شد که من با برخی از مشکلات زندانیان آشنا شوم، اما خوشبختانه پدرم توانست با استفاده از یک وکیل خوب و آگاهی از حق و حقوق خود از زندان آزاد شود.» اما به هر حال تجربه‌های آن دوران باعث شد که ماتانی که از کودکی به وکالت علاقه داشت به فکر احداث گروهی برای کمک به زندانیان زن برآید. او می‌گوید: «زنان در جامعه ما از بسیاری حقوق خود محروم هستند، خیلی از اوقات با آنها مثل جنس دوم برخورد می‌شود، اما با وجود گروه‌هایی مثل آدواسید آنها احساس می‌کنند که پشتیبان و حامی دارند.» اما به هر حال این موسسه هم مشکلات خاص خودش را دارد از جمله اینکه، میزان کمک‌های خیریه به آن زیاد نیست. یکی از دلایل این موضوع جدا از فقر نسبی جامعه این است که هنوز تصور عمومی از زندان‌ها، محل زیستن گروهی مجرم در کنار هم است.

منبع: کریستین ساینس مانیتور

جایی در دوردست

فروش ارزان‌ترین خانه انگلیس

■ **دیلی‌میل:** شش ماه قبل و زمانی که برای اولین‌بار خانه‌ای در منطقه بارنلی برای فروش گذاشته شد، مشاور املاک قیمت ۱۵هزارپوندی مدنظر فروشنده را بسیار بالا ارزیابی کرد و حالا حرف او درست از آب درآمده چراکه این خانه دو خوابه نیاز به تعمیرات زیادی دارد و به همین دلیل نهایتا به قیمت ۱۰هزار پوند به فروش رفت تا عنوان ارزان‌ترین خانه بریتانیا را از آن خود کند. شهر لانکشایر به خاطر قیمت پایین خانه‌هایش معروف شده و طبق تحقیقات صورت‌گرفته، خیابان‌های این شهر جزو ارزان‌ترین خانه‌های انگلیس محسوب می‌شوند. جان دینسدیل که معامله فروش خانه ارزان قیمت را جوش داده، می‌گوید: «خانه‌هایی که در این منطقه قرار دارند کلنگی شده‌اند و باید آنها را از نو ساخت. اگر دور و برتان را نگاه کنید، متوجه می‌شوید که قیمت بسیاری از ماشین‌ها از ارزش این خانه‌ها بیشتر است. سه سال قبل همه دنبال خرید ملک بودند و شما نمی‌توانستید با کمتر از ۳۵هزار پوند در بارنلی صاحبخانه شوید. اما امروز شرایط تغییر کرده و فکر می‌کنم ۱۰هزار پوند برای خرید خانه، مبلغ منصفانه‌ای باشد. «قیمت پایین این خانه که مشاورین املاک آن را کلنگی می‌دانند روی قیمت ملک در خیابان‌های اطراف هم

تاثیر گذاشته و خانه‌ای که قبلا برای خریدش باید حداقل ۳۲هزار پوند هزینه کرد حالا با ۱۵هزار پوند هم قابل خرید است. دینسدیل این روزها خانه‌های زیادی را با قیمت پایین فروخته و خریدارانش بساز بفروشانی هستند که خانه را از نو ساخته و آن را با قیمت بالاتر می‌فروشند. ارزان‌ترین خیابان انگلیس در خیابان پریتچارد واقع شده، اما این خیابان خانه‌هایی با قیمت‌های بالاتر هم دارد و خریداران آنها ۵۰هزار پوند برای سند خوردن به نام‌شان هزینه کرده‌اند. ساکنان این خیابان از محل زندگی‌شان راضی هستند و برایشان جای سوال دارد که چرا ارزان‌ترین خانه انگلیس در خیابان آنها واقع شده‌است.

سوزان جانسون و نگهداری از بچه‌های یتیم تایلندی

تقسیم همدردی

ترجمه: رامین طبرسی

سی.ان.ان: وقتی در سال ۲۰۰۴ کشورهای جنوب آسیا فاجعه سونامی را تجربه کردند، سوزان جانسون در خانه‌اش در سوئد نشسته بود و با نگرانی اخبار این موضوع را دنبال می‌کرد. او نگران دخترانش بود که با همسر سابقش برای تفریح به تایلند رفته بودند و چند روزی می‌شد که به مادرشان زنگ نزده بودند. سوزان که نمی‌توانست این شرایط را تحمل کند، سوار هواپیما شد تا به تایلند برود و دخترانش را پیدا کند. او امیدوار بود که در تایلند بتواند اثری از بچه‌هایش پیدا کند اما وقتی به آنجا رسید، شوکه شد، چرا که مقصدشان هیچ شباهتی به شهر نداشت و سونامی حسابی از خجالت این شهر در آمده بود و سوزان نهایتا مجبور شد با این واقعیت کنار بیاید که دیگر عزیزترین کسانش را نخواهد دید. او می‌گوید: «وقتی متوجه از دست دادنشان شدم، دوست داشتم بمیرم.» جانسون ۳۷ ساله دیگر هیچ انگیزه‌ای برای ادامه دادن زندگی‌اش نداشت و یکدفعه ناپدید شد. او همیشه در ذهنش محبت و همدردی مردم تایلند در زمان حضورش در این کشور را با خودش مرور می‌کرد و وقتی متوجه شد که زوجی تایلندی- سوئدی مرکزی را برای حمایت از بچه‌هایی که خانواده‌شان را در سونامی از دست داده‌اند، راه انداخته‌اند، تصمیم گرفت به آنها ملحق شود. جانسون می‌گوید که کاملا احساس تایلندی‌ها را درک می‌کرده: «آنها بیشتر از من عذاب کشیده بودند، با این همه من مردمی را می‌دیدم که با وجود از دست دادن همه چیزشان سعی می‌کردند روحیه خود را حفظ کنند. این موضوع مرا تحت تاثیر قرار داد، ضمن آنکه باید به نحوی محبت آنها را جبران می‌کردم.» در سال ۲۰۰۵ جانسون به تایلند برگشت تا به بچه‌های یتیم این کشور کمک کند.

یک‌سال بعد سوزان به طور کامل مقیم تایلند شد و با فروش خانه‌اش در سوئد، به کمک یکی از دوستانش مرکزی را تاسیس کرد که تا امروز به بیش از صد بچه کمک کرده. در سال اول این مرکز ویژه کسانی بود که در سونامی خانواده خود را از دست داده‌اند اما بعد از مدتی این مرکز فعالیت‌های خود را گسترش داد و به گفته سوزان نمی‌توان آن را تنها با نام یتیم‌خانه شناخت: «اینجا خانه‌ای برای بچه‌ها و خانواده‌های نیازمند است. ما تنها به بچه‌ها کمک نمی‌کنیم. اگر بتوانیم با کمک به خانواده‌های آنها باعث خوشحالی بچه‌ها شویم، کار مفیدی انجام داده‌ایم.» تمام بچه‌هایی که تحت سرپرستی سوزان هستند، شرایط وحشتناکی را تجربه کرده‌اند و هیچکس را نداشتند که از آنها نگهداری کند. در خانه سوزان ۲۴ بچه به همراه یک مادر و یک مادربزرگ زندگی می‌کنند که بیش از هر چیز به محبت و غذا نیاز دارند و بعد از آن نوبت برنامه‌های دیگر است. سوزان و دوستش طی این مدت توانسته‌اند زبان تایلندی را تا حد قابل قبولی یاد بگیرند. آنها بیش از هر چیز تلاش می‌کنند تا بچه‌هایی که به این مرکز می‌آیند، احساس راحتی کنند و آنجا را مثل خانه خودشان بدانند. سوزان می‌گوید: «می‌خواهیم تا جایی که امکان دارد، مثل یک خانواده صمیمی در کنار هم باشیم. ممکن است یک جاهایی نتوانیم به تمام اهداف‌مان برسیم اما همین‌که در غم و شادی‌های آنها شریک باشیم، کافی است. شما در هنگام برخورد با این بچه‌ها باید از احساس‌تان مایه بگذارید نه منطق‌تان.»

جانسون برای بچه‌هایش برنامه‌های زیادی دارد. آنها باید مثل بچه‌های عادی به درس و مشق‌شان برسند و اگر کسی به معلم خصوصی نیاز داشته باشد، این امکان برایش فراهم می‌شود: «ما نمی‌توانیم بگوییم که آینده چه سرنوشتی برای این بچه‌ها رقم می‌زند اما می‌توان با فراهم کردن امکاناتی نظیر تحصیل چشم و گوش آنها را برای انتخابی درست باز کنیم.» در ماه ژوئن سوزان روزهای پر استرسی را تجربه کرد. فیم یکی از پسران او که از سال ۲۰۰۶ در این مرکز زندگی می‌کرد، توانست با قبولی در امتحانات وارد کالج شود و جانسون هم خانواده‌ای سوئدی را پیدا کرد تا مخارج تحصیل او را پرداخت کند. سوزان از خوشحالی فیم خوشحال است و امیدوار است سایر بچه‌ها هم این موضوع را درک کنند که می‌توانند آینده خوبی برای خودشان رقم بزنند. او با وجود درگیری‌های ذهنی‌اش هر روز به دو دخترش فکر می‌کند و عقیده دارد که با زندگی در تایلند به آنها نزدیک‌تر شده: «دختران من عاشق زندگیشان بودند و می‌خواهم این تفکر را در بین سایر بچه‌هایم جا بیندازم.»

جدول ۱۲۷۳

افقی:

۱- بنایی باستانی در همدان- امت‌ها ۲- مرد دونده انگلیسی- باران کم- دست پیمان ۳ - درست و مهیا- آفریدگار- اثر ۴- مسابقه اتو مبیلرانی- فاسد- آرایش در قدیم- دفاع فوتبال ۵- دوستی- از اساتید بزرگ موسیقی ایران در صد سال اخیر- بازگرداندن ۶- رنگ سیاه- طلیعه اعداد – نوعی مسابقه ۷- حرف پیروزی- دروازه بان کویت در جام ملت‌های آسیا در سال ۱۹۷۶ در مقابل ایران- چراگاه ۸- لرزانک، نوعی دسر- کشور هفتاد و دو ملت- نهنگ- لهجه‌ای از زبان کردی در هرسین ۹- قاضی اموات هندوها- قسمتی از دوران چهارم زمین‌شناسی- گوشت آذری ۱۰- عابد- پراکندگی- شهرآورد ۱۱- از کشورهای جدا شده شوروی سابق- کتاب امیل زولا- زیر پا مانده ۱۲- فرمان اتومبیل- از مزه‌ها- شش عرب- وسنی ۱۳- سنگ‌ها- آتشخانه- تشکر فرانسوی ۱۴- سمت مشرق- شهری در جنوب اسپانیا- فاقد آرامش و امنیت ۱۵- گریزگاه- تابلویی از رافایل سانتی

عمودی:

۱- مفصل‌شناسی- زخم در چشم ۲- درست دانستن سخن یا عملی- پهلوانان- موقع خواب روی خود می‌کشند ۳- شناخت – ماله به هم ریخته!- ستم ۴- میانه بدن- گستردن- پوشیدگی ۵- رودی در روسیه- دودکش- از وسایل خنک‌کننده ۶- جای آباد- همسر سوزن- آب بند ۷- شالوده، اساس- بدخشان- توپ چوگان ۸- از حروف عربی- پهلوان- صنم- روان ۹- گرد کردن عدد- جامه فاخر سیاهرنگ- فرزند ناصالح و بد رفتار ۱۰- مادر عرب- نیم صدای گوسفند- آموزش دادن ۱۱- عدد بلبل- شخصی که به تجزیه امپراتوری عثمانی کمک کرد- رمق آخر ۱۲- عمده فروش- سوره‌ای در قرآن کریم- ضمیر ملکی چهارم ۱۳- کلمه پرسشی- ماه نو- وحشت ۱۴- عیب‌دار- درختچه آپارتمانی- سرطان خون ۱۵- به شکل مخصوصی در آمده- از بازیکنان اسبق و نامدار تیم بایرن‌مونیخ

حل جدول ۱۲۷۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ش	پ	ز	ه	ا	ی	ش	ر	و	ر	■	ر	ک	ن
۲	ی	ا	و	ن	■	د	ا	■	د	ن	ا	■	ج	و	ا
۳	د	ر	ن	گ	■	ا	ر	ن	■	ج	■	م	ن	ش	ا
۴	ه	ب	ه	■	ا	س	ا	ی	■	ل	ن	گ	■	ی	ک
۵	ا	ن	■	م	د	ر	ن	■	ا	ن	ج	ا	م	■	ت
۶	ل	■	و	ز	ر	ا	■	ل	م	■	م	و	ع	د	■
۷	ی	و	ه	ا	ی	ه	و	ی	■	ر	ن	و	د	■	د
۸	س	ر	س	■	ک	ی	ک	■	ز	ا	ل	■	ی	ل	و
۹	ت	ا	ر	ا	ل	■	ل	ا	ی	ش	ت	ا	ک	■	ت
۱۰	م	ا	ه	■	ل	ب	■	ل	ا	■	ا	ت	م	ی	ر
۱۱	ک	■	ب	ل	ا	غ	ت	■	م	ع	ی	ر	■	ا	و
۱۲	ا	م	■	ب	و	م	■	م	ی	ا	ن	■	ا	ل	ف
۱۳	ر	ن	گ	ی	ن	■	ا	ل	ن	■	ن	و	ی	و	س
۱۴	م	ش	ی	ت	■	م	ن	■	ا	ه	ن	م	ن	■	ک
۱۵	ن	ا	■	و	ا	ن	ت	ر	و	ب	و	ل	و	ژ	ی

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو ۲۸۰

۶	۲	۵	۴	۳	۷	۹	۱	۸
۳	۸	۴	۵	۱	۹	۲	۷	۶
۷	۹	۱	۸	۶	۲	۴	۵	۳
۸	۳	۲	۹	۵	۱	۷	۶	۴
۵	۱	۷	۶	۸	۴	۳	۲	۹
۹	۴	۶	۷	۲	۳	۱	۸	۵
۲	۵	۳	۱	۴	۶	۸	۹	۷
۱	۶	۹	۳	۷	۸	۵	۴	۲
۴	۷	۸	۲	۹	۵	۶	۳	۱

سودوکو ۲۸۱

۶	۹				۵			
۱	۲			۹				
	۵		۲		۸			
			۵				۷	۴
۳					۷		۹	
			۱				۳	۶
۷			۳			۱		۸
			۸		۴	۳	۲	
		۲		۵			۴	۷

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.